

آوازه و یلفرد مادلونگ در ایران بیش از هر چیز وام‌دار ترجمه دو کتابش یعنی فرقه‌های اسلامی و جانشینی محمداست که این دومی بیش از دیگر نوشته‌هایش مورد توجه قرار گرفته است.

پرونده ویژه

اندیشه‌ها و درباره سرچشمه‌های اعتقادی شیعه نخستین را به درستی ارزیابی کنیم باید ببینیم که نسبت نوشته‌های اخیر او با آنچه ابتدا درباره اترپذیری تشیع از معتزلیان بغداد بدان باور داشت چیست؟ (مقاله او با عنوان «Early Imāmī Theology as Reflected in the Kitāb al-kāfi of al-Kulaynī» در این زمینه حائز اهمیت فراوان است.)

آوازه و یلفرد مادلونگ در ایران بیش از هر چیز وام‌دار ترجمه دو کتابش یعنی فرقه‌های اسلامی و جانشینی محمداست که این دومی بیش از دیگر نوشته‌هایش مورد توجه قرار گرفته است. او در این کتاب با توجه به منابعی که ماجرای خلافت پیامبر (ص) را گزارش کرده‌اند، ضمن نقد رویکرد کسانی مانند لامنس و کایتانی، جانشینی را حق علی (ع) می‌داند. با این حال طبق آخرین نوشته‌های وی و همچنین آنچه در گفت‌وگویی که چند سال پیش با او داشتیم، ظاهراً نظرش در این زمینه تغییر کرد و بر این باور استوار شد که طبق ادله قرآنی، خلافت و جانشینی پیامبر (ص) بی‌گمان حق دختر پیامبر، فاطمه زهرا (س) بوده است.

مادلونگ ادعای تازه خود را بر این پایه استوار کرده است که در قرآن قوانین ارث مطرح شده و جانشینی هم به عنوان نوعی ارث محسوب می‌شود، چرا که وارث هر شخص، تمامی حقوق، اموال، بدهی‌ها و تعهدات وی را به ارث می‌برد و در این صورت جانشینی هم به وارثان فرد منتقل می‌شود. او بر این باور است که هنگامی که پیامبر (ص) از دنیا رفت، هیچ کدام از پسرانش زنده نبودند و از بین چهار دخترش هم تنها فاطمه (س) در قید حیات بود. بنابراین طبق قرآن وارث و جانشین قانونی پیامبر (ص) دخترش است. البته مادلونگ در ادامه، لقبی را هم برای حضرت فاطمه (س) برمی‌گزیند که قدری عجیب به نظر می‌رسد. از نگاه وی «اینکه در این صورت ایشان (حضرت فاطمه) را چه بنامیم خود یک پرسش است. او می‌توانست وارث و جانشین باشد، چون طبق اشاره قرآن مواردی وجود داشته که یک زن جانشین یک امام یا رهبر بوده است. پس در این صورت می‌توانستیم ایشان را «ملکه» خطاب کنیم!» طبق این نگاه، امام علی (ع) تنها وصی پیامبر بوده و وصی غیر از امام یا خلیفه است.

در نقد ادعای مادلونگ می‌توان دو سطح از استدلال را مطرح کرد. سطح نخست این است که بر پایه سنخ استدلال خود مادلونگ، در بین آیات قرآن مواردی وجود دارد که دست‌کم او باید تکلیف خود را با آنها روشن کند. طبق این آیات، علاوه بر اشاره مستقیم به مسئله انتخاب امام از سوی خداوند، گاه وراثتی بودن آن نیز نفی شده است. برای نمونه در آیه ۱۲۴ سوره بقره این گونه آمده است: «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْتَلِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». در این آیه ضمن اشاره به

اینکه مقام امامت، از سوی خداوند به ابراهیم (ع) اعطا شده، در پاسخ به درخواست ابراهیم (ع) برای امامت فرزندان و دودمانش چنین گفته شده است که «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد». همچنین بنا بر آنچه در آیه ۲۴۶ سوره بقره ذکر شده، گروهی از بنی اسرائیل، پس از وفات موسی (ع)، رو به سوی پیامبرشان کرده و به او چنین گفتند: «پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم» اما پاسخ پیامبرشان این بود که «... إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا». بر پایه این آیه، انتخاب طالوت به عنوان پیشوای مردم، از سوی خداوند بوده است و از همین رو در ادامه آیه ۲۴۷ آمده است: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ».

به هر حال اگر مادلونگ استدلالش را بر پایه قرآن قرار داده و سنت شیعه امامیه را در باب نظریه امامت یا نظریه «نص» نادیده گرفته است، به ناچار باید آیه‌ای را هم که ناقض استدلال او برای تحلیل امامت در چارچوب نظام ارث در قرآن هستند مورد توجه قرار دهد و تکلیف خود را با آن دسته از آیه‌ای که بعدها مورد استناد متکلمان امامیه قرار گرفت روشن و مشخص کند.

سطح دیگر نقد دیدگاه مادلونگ این است که چنین نگاهی اساساً نسبتی با بدترین امامیه و یا اهل سنت درباره امامت ندارد. مشهور متکلمان اهل سنت ضمن آن که تعریفی دنیوی از امامت به دست می‌دهند، نظر مردم (شورا، اجماع و...) را در این زمینه معتبر می‌دانند و متکلمان شیعه امامیه هم به ویژه از دوران شیخ مفید و شریف مرتضی تا کنون، قائل به نظریه نص هستند. عبدالجلیل رازی قزوینی، نگارنده کتاب النقض این حقیقت را چنین بیان کرده است: «... به مذهب شیعه، امامت و خلافت به نسبت نیست و استحقاق امامت بدان شرایط است که بیان کرده شد و آن عصمت و نصوصیت و علم است...» (النقض: ص ۵۴). به هر حال شکی نیست که در دوران نخستین اسلام، هیچ‌کس خلافت و امامت را «مایملک» پیامبر ندانسته و آن را در چارچوب نظام ارث تحلیل نکرده است.

ویژه‌نامه‌ای که اکنون پیش روی خوانندگان قرار دارد حاصل پژوهش‌های نویسندگانی است که هر یک، مدتی را به مطالعه درباره رویکرد، روش و دستاوردهای مادلونگ اختصاص داده و کوشیده‌اند تا مختصری از پژوهش‌های خود را در این ویژه‌نامه به تصویر بکشند. ناگفته پیداست که سخن درباره رویکرد، روش، گونه‌شناسی آثار و نقد مادلونگ در همه زمینه‌های یاد شده، فراوان و درازمان است اما تلاش شده تا هر مقاله از این «یادنامه»، بر یکی از زوایای شخصیت علمی مادلونگ پرتو بیفکند تا دست‌کم تصویری اجمالی از فعالیت‌های او در ذهن خوانندگان شکل بگیرد و چه بسا الهام بخش پژوهش‌های دیگر در این زمینه باشد. ▶

ویژه‌نامه پیش رو
حاصل پژوهش‌های
نویسندگانی است
که هر یک، مدتی
را به مطالعه درباره
رویکرد، روش
و دستاوردهای
مادلونگ اختصاص
داده و کوشیده‌اند
تا مختصری از
پژوهش‌های خود
را در این ویژه‌نامه
به تصویر بکشند.
تلاش شده تا
هر مقاله از این
«یادنامه»، بر یکی
از زوایای شخصیت
علمی مادلونگ پرتو
بیفکند.